

## نشانه‌شناسی پسا ساختارگرا از شاخص‌های هویتی نما در معماری مسکونی پهلوی دوم

مریم امجدی<sup>۱</sup>، مهرداد متین\*<sup>۲</sup>، وحید شالی امین<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۲۹

### چکیده:

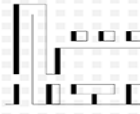
بررسی هویت و معنای نماسازی خانه‌های مسکونی در تهران به‌ویژه در دوره پهلوی دوم باهدف روشن شدن چالش‌های موجود در نماسازی و هویت معماری ایران از بدو آغاز مدرنیزاسیون بناهای مسکونی در ایران، مسئله اصلی این پژوهش است. هدف شناسایی و تحلیل نشانه‌های هویتی در نمای ساختمان‌ها است که می‌تواند به درک بهتر از تحولات معماری معاصر ایران کمک کند. عدم ظهور سیر تحول هویتی متناسب با تحول معنا برای مخاطب شهرنشین ایرانی، ضرورت انجام این پژوهش را آشکار می‌کند. به‌گونه‌ای که باوجود سال‌ها تغییرات معماری، هنوز هم شاهد ناهماهنگی در نماسازی‌ها هستیم که نیاز به بررسی دقیق‌تری دارد. عدم تطابق میان هویت فرهنگی و نشانه‌های معماری در نمای ساختمان‌های مسکونی ایران مسئله‌ای است که باید از ریشه‌های آن در بدو ورود مدرنیته به معماری مسکونی در ایران مورد بررسی قرار گیرد. این امر به‌خصوص در دنیای معاصر که هویت و معنای فضاهای زندگی اهمیت بیشتری یافته‌اند، حائز اهمیت است. شناسایی و تحلیل نشانه‌های هویتی در پژوهش از طریق ارائه مدل نشانه‌شناسی پسا ساختارگرایانه در قالب‌های مادی، کالبدی، اجتماعی و تاریخی در عملکرد معنایی انجام شده است. نوآوری پژوهش علاوه بر توجه به مبادی تحولات منجر به بی‌هویتی نمای مسکونی در ایران، استفاده از تحلیل نرم‌افزاری (Max QDA) در انجام پژوهش کیفی با روش تحلیلی-توصیفی با تکیه بر نشانه‌شناسی به همراه پیمایش و راهبرد تاریخی است که برای حدود ۷۰ نمونه نما از منطقه شش تهران انجام شده است. بر اساس نتایج، چهار ترکیب نما در نمونه‌ها استخراج شده که با استفاده از نشانه‌شناسی پسا ساختارگرا و خوانش مخاطبین، ترکیب‌های معنادار و فاقد معنای شناسایی شده‌اند. ترکیب‌های معنادار دارای ساختارمندی حاصل از تعامل و برهم نشینی سه سویه کارکرد، زیبایی‌شناسی<sup>۱</sup> و فرهنگ بوده‌اند. بر این اساس دو وجه هویت‌ساز و هویت زدا در ترکیب‌ها استخراج شد که نشان از بدعتی است که مدرنیسم در ایجاد دوگانه ساخت معنا در نماهای شهری در ایران ایجاد کرده است. با استفاده از الگوها و مدل‌های ارائه شده می‌توان به طراحی نماهایی پرداخت که هم از نظر زیبایی‌شناختی و هم از نظر هویتی با نیازهای جامعه همخوانی داشته باشند.

**کلمات کلیدی:** نشانه‌شناسی، پسا ساختارگرایی، شاخص هویتی، نمای مسکونی، پهلوی دوم

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب

<sup>۲</sup> استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب، دانشکده هنر معماری، گروه معماری، تهران، ایران

<sup>۳</sup> استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات دانشکده معماری و شهرسازی تهران ایران.



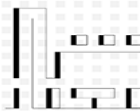
## مقدمه

پژوهش تلاش دارد تا چگونگی بازنمایی هویت در عناصر معماری نما در بناهای مسکونی مورد مطالعه از پهلوی دوم را دریافته و از طریق دانش نشانه‌شناسی، عوامل سازنده هویت (برهم‌کنش درون‌مایه و کالبد) در نمای مسکونی پهلوی دوم را تعریف نماید. در نهایت می‌توان الگوی هویت<sup>۴</sup> نمای بناهای مسکونی پهلوی دوم به‌عنوان دوره ورود مدرنیسم به ایران را بر اساس تأثیر درون‌مایه معنا بر وجوه کالبدی نما (برآیند هویتی از نما) را مشخص نمود. بدین ترتیب امکان بهتری برای کشف معنای هویتی ناسازی خانه‌های مسکونی و تفسیر تحول نشانه‌های آن، در شهرهای ایران و به‌خصوص پایتخت، با توجه به معضلاتی که در این زمینه به‌خصوص از نظر آرامش بصری و هماهنگی وجود دارد، ایجاد می‌شود. آگاهی از این امر که سرچشمه و آغاز تحولات نمای مسکونی به شیوه معاصر، از دوران پهلوی آغاز شده، توجه را به‌سوی تحولات هویتی در معماری این دوره جلب می‌نماید. در معماری پهلوی اول توجه به معماری مدرن تحت تأثیر تاریخ‌گرایی رواج دارد (بانی مسعود ۱۳۸۸، ۲۷۳). بدین ترتیب اثرگذاری مکتب معماری مدرن و ظهور برداشتی ایرانی از آن، گونه‌ای از معماری که نخست در تهران پدیدار گشت و سپس در شهرستان‌ها رشد و توسعه پیدا کرد را به وجود آورد (کیانی ۱۳۸۲، ۶). این امر به‌خصوص در مورد نمونه‌های پهلوی و با فراوانی بیشتر از پهلوی دوم، در منطقه ۶ تهران که نمونه‌های قابل توجهی را همچنان در خود جای‌داده است، قابل مطالعه و تأمل می‌نماید. از این‌رو با دغدغه شناخت تحولات مربوط به شاخص‌های هویتی نما در معماری مسکونی پهلوی دوم، جهت فراهم نمودن بستر مناسب مطالعات تکمیلی در زمینه نمای مسکونی در معماری معاصر ایران، پژوهش حاضر نمونه‌هایی از نمای مسکونی در منطقه شش تهران را مورد مطالعه و تحلیل قرار داده است.

بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که در دوران پهلوی اول، معماری تحت تأثیر تاریخ‌گرایی قرار داشت و این رویکرد در دوره دوم با ورود فارغ‌التحصیلان رشته معماری از غرب و تأسیس دانشگاه تهران تغییر کرد. در این دوره، سادگی و مدرنیسم به‌عنوان اصول حاکم بر طراحی ساختمان‌ها مطرح شدند (بانی مسعود ۱۳۸۸؛ زرکش ۱۳۹۱). با افزایش نیاز به مسکن ارزان‌قیمت و گرانی زمین شهری، معماران به طراحی بناهایی ساده و مقرون‌به‌صرفه روی آوردند. گونه‌های جدید مسکن تهران در این دوره، کاملاً بر اساس الگوهای مسکن غربی برون‌گرا بوده است. اساس تحول بنیادین معماری مسکن در تهران از این دوره آغاز می‌گردد (جانی پور ۱۳۷۹، ۵۲). همچنین باید به عوامل پس‌زمینه تحولات معماری پهلوی دوم توجه داشت (حسن پور، سلطان‌زاده ۱۳۹۵). مقارن با دوره پهلوی دوم تحولات اجتماعی، پیشرفت تکنولوژی، تغییر هویت جنسیتی زن و تغییر سبک زندگی از سنت به مدرنیته، به بروز تحولاتی در معماری مسکونی منجر شد و باعث کاهش نقش معیشتی و تعدد فضاهای خانه سنتی شد (کانی شیرازی ۱۳۳۹۷) نقش معماران در بازآفرینی معماری معاصر و از جمله نمای معماری مسکونی از طریق بررسی مصادیق عینی آن نیز اهمیت دارد (معینی ۱۳۹۴؛ معرفت، سیدی، وثوقی خزائی ۱۳۷۵). این تحولات نه تنها بر جنبه‌های کالبدی بلکه بر هویت فرهنگی و اجتماعی نمای ساختمان‌ها نیز تأثیر گذاشت. در این راستا، ورود تکنولوژی‌های جدید و مصالح ساختمانی نوین، امکان طراحی پلان‌های متنوع و ساخت سریع‌تر بناها را فراهم کرد (دبیا، داراب و دیگران. ۱۳۷۷).

پژوهش‌های مورد اشاره در موضوع مورد نظر، نشان داده‌اند که با وجود سال‌ها تحول در معماری مسکونی ایران، هنوز هم شاهد عدم ظهور سیر تحول هویتی متناسب با تغییرات معنایی برای مخاطب شهرنشین هستیم (کیانی ۱۳۸۲). از آنجایی که پژوهش حاضر تلاش دارد تا مسئله پیش رو را از طریق بازخوانی هویت و تأویل معماری از مسیر نشانه‌شناسی پسا‌ساختارگرا<sup>۴</sup> (ماجدی، زرابادی ۱۳۸۹) (جنکز ۲۰۱۵) مورد توجه قرار دهد،

<sup>4</sup> Post-structuralism



علاوه بر موارد بالا، توجه به پژوهش‌هایی مرتبط در موضوعات نشانه‌شناسی معماری (رضازاده و همکاران ۱۳۹۳) (طلایی و همکاران ۱۳۹۷)، (شاه‌حسینی، شالی امینی، دباغ، ایرانی بهبهانی، ۱۴۰۱) نیز اهمیت داشته است.

بنابراین و در مقایسه با پژوهش‌های پیشین، این مطالعه باهدف شناسایی و تحلیل نشانه‌های هویتی در نمای مسکونی، از آن جهت ضرورت دارد که همچنان و باوجود سال‌ها تحول پس از ورود سبک مدرن به معماری بنای مسکونی ایرانی، شاهد عدم ظهور سیر تحول هویتی و متناسب با تحول معنا برای مخاطب شهرنشین ایرانی، در ناسازی بنای مسکونی هستیم. این امر ضرورت ارائه الگو و مدلی برای امکان ارزیابی وضعیت را نشان داده و اعمال مدل در نمونه‌های مرتبط با پیشینه اولیه مسئله، امکان فهم بهتر از آنچه روی داده است را برای محققان فراهم خواهد نمود. مطالعات محدود پیشین جهت شناخت معماری مسکن نیمه دوم پهلوی نیز بیشتر حالت گزارشی دارند تا تحلیلی. دلیل انتخاب منطقه شش تهران جهت برداشت نمونه نماهای مسکونی، پیشینه اجتماعی، طبقاتی خاص آن در دوران مورد بحث است. به‌علاوه منطقه‌ای که اکنون به‌عنوان قلب اداری تهران شناخته می‌شود، حاوی نمونه‌های شاخص مسکن معماران مطرح این دوران و نیز خانه‌هایی شاخص از افراد مطرح اجتماع آن دوران است. به‌علاوه انواع مسکن از جمله تیپ‌سازی، مجتمع و برج مسکونی و حتی مسکن ارزان‌قیمت را نیز می‌توان از دوران پهلوی دوم در آن یافت. چنین ویژگی در شرایط کنونی، در مناطق دیگر تهران قابل مشاهده نیست. با استفاده از رویکرد نشانه‌شناسی و تحلیل کیفی، تلاش می‌شود تا عوامل سازنده هویت در نمای مسکونی پهلوی دوم تعریف شود. در نهایت، این تحقیق با ارائه مدلی تحلیلی مبتنی بر یکپارچگی متغیرهای هویت‌ساز دوران مدرنیسم، می‌تواند به فهم بهتر از تحولات هویتی در معماری معاصر ایران کمک کند. همچنین استفاده از ابزارهای نوین برای تحلیل کیفی نماهای مسکونی، از ویژگی‌های خاص این پژوهش محسوب می‌شود.

نوآوری پژوهش را می‌توان در این دید که بر اساس آن مدلی تحلیلی مبتنی بر یکپارچگی متغیرهای هویت‌ساز دوران مدرنیسم در قالب نگاهی هم‌زمان به آن‌ها (نما، هویت، نشانه‌شناسی، ساختارگرایی و معماری پهلوی دوم) ارائه می‌شود. استفاده از ابزارهای نوین رایانشی مبتنی بر تحلیل کیفی نماهای مسکونی دوران پهلوی دوم برای حصول به‌دقت و سرعت در تحلیل کیفی نمونه‌های موردی با تعداد بالا، از ویژگی‌های خاص پژوهش محسوب می‌شود. پژوهش حاضر از نوع کیفی و روش آن تحلیلی-توصیفی با تکیه بر نشانه‌شناسی است. همچنین روش توصیفی و پیمایشی (پرسش‌نامه) مدنظر بوده است. بر اساس اطلاعات و تحلیل پرسش‌نامه‌ای مخاطبان که بر مبنای کدهای تحلیلی کالبدی و محتوایی نشانه‌های نمای مسکونی طراحی شده است، امکان تحلیل نشانه‌های نمونه‌های برداشت‌شده از دیدگاه مخاطبان (دارای اهمیت در رویکرد پسا‌ساختارگرایانه دانش نشانه‌شناسی) به چهار گروه اصلی نمای مسکونی فراهم گشته است. امکان سنجش و مقایسه بسترهای نشانه‌شناسی و تحلیل نهایی نویسندگان از طریق تبیین نگاه مخاطبان در این چهار دسته کلی نما میسر گشته است.

## بنیان‌های نظری پژوهش

### نشانه‌شناسی و پسا‌ساختارگرایی در تفسیر هویت معماری

سمیوتیکس<sup>۵</sup> (چارلز سندرز پیرس<sup>۶</sup>) و سمیولوژی<sup>۷</sup> (فردیناند دو سوسور<sup>۸</sup>) به زبان به‌عنوان نظامی از نشانه‌ها با ابعاد ساختاری و معنایی نزدیک می‌شود؛ این نشانه‌ها از طریق روابط ساختاری و نحوی به یکدیگر متصل می‌شوند و در این راستا، پژوهش‌های اولیه این دو متفکر، اصول نشانه‌شناسی را پایه‌گذاری کردند (چندلر، ۱۳۸۷؛ بشیریه، ۱۳۷۹؛ سوسور، ۱۳۸۲). بارت (۱۳۷۰: ۱۲) نخستین بار نشانه‌شناسی تصویری را مطرح

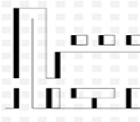
<sup>5</sup> Semiotics

<sup>6</sup> Charles Sanders Peirce

( تفاوت نهاد (بشیریه ۱۳۷۹، ۷۰). symbol و «نماد» (index «نمایه»)، icon،)ی به طبقه‌بندی انواع نشانه پرداخت و میان «شمایل» )

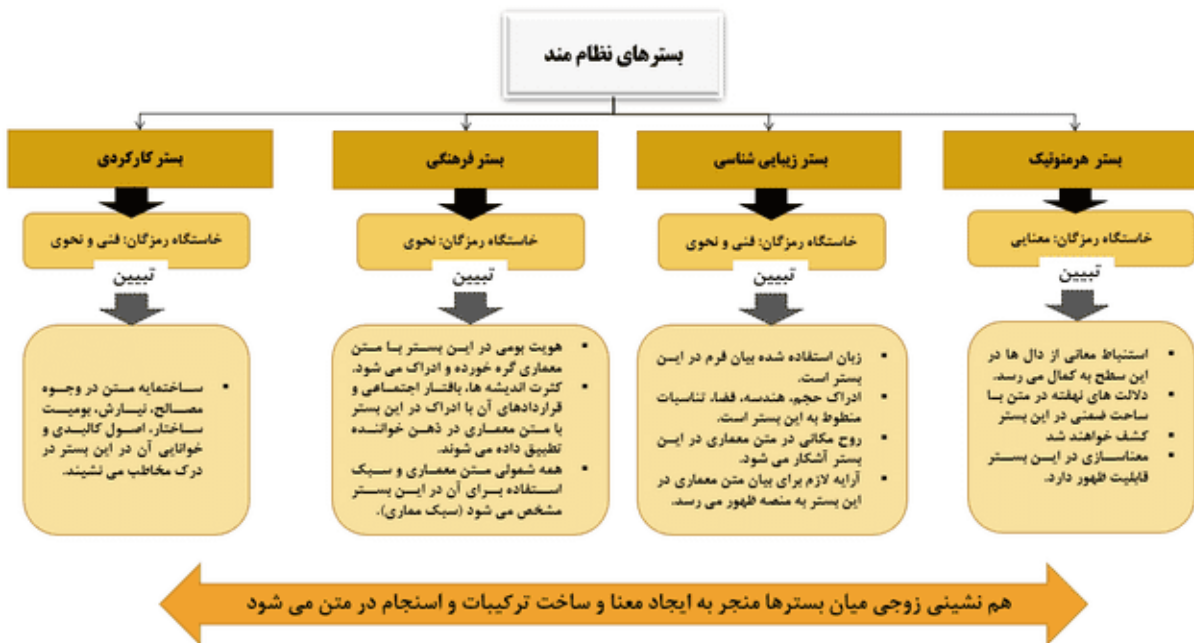
<sup>7</sup> Semiology

<sup>8</sup> Ferdinand de Saumure



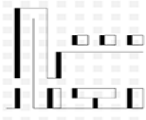
کرد و اومبرتو اکو به تحلیل نظام‌های نشانه‌ای پرداخت (Eco, 1986) که نظریات او به دلیل تأکید بر مشارکت مخاطب در تحلیل، در تفسیر هنر و معماری کاربرد دارد (Greimas & Courtés, 1979). پس‌اساختارگرایان مانند دریدا (Derrida, 1985, 32) و فوکو با تغییر الگوهای ثابت نشانه‌شناسی، به مطالعه اجتماعی نشانه‌ها پرداختند و نشان دادند که معنا به‌طور مستقیم در نشانه حضور ندارد (نزبیت، ۱۳۹۶). این رویکردها در معماری پست‌مدرن به بررسی موقعیت سوژه و زبان او پرداخته و مفهوم هویت را به چالش می‌کشند (Foster, 1983). بدین ترتیب، نشانه‌شناسی پس‌اساختارگرا بستری فراتر از نشانه‌های ملموس را در نظر گرفته و به دنبال دلالت‌های ضمنی است که می‌تواند به تحلیل هویت در معماری کمک کند. درنهایت روشی برای خوانش معماری به‌عنوان رشته‌ای که دانش تولید می‌کند، پیدا شد و انواع رمزگان و نشانه‌ها در معماری تعریف گردید (Porphyrios 1998, 41).

در دوران معاصر، معماری و هویت آن تحت تأثیر پس‌اساختارگرایی دچار تحولاتی شده است که مفهوم‌گرایی و فرآیند ادراک طرح‌های معماری را در دوران پست‌مدرن به چالش می‌کشد (نزبیت ۱۳۹۶؛ فروغمند اعرابی ۱۳۹۴). هویت، به‌عنوان فرایند معناسازی در زندگی روزمره، همواره متحول است و نشانه‌شناسی پس‌اساختارگرا به دنبال دلالت‌های ضمنی فراتر از نشانه‌های ملموس در معماری است (قبادیان ۱۳۸۳، ۹۳). نشانه‌شناسی پس‌اساختارگرا بستری فراتر از نشانه‌های ملموس برای معماری در نظر گرفته و به دنبال دلالت‌های ضمنی است. این بسترها را می‌توان به چهار دسته کلی «هرمنوتیک، زیبایی‌شناسی، فرهنگی و کارکردی» (دباغ ۱۳۹۴، ۲۰) تقسیم‌بندی نمود:

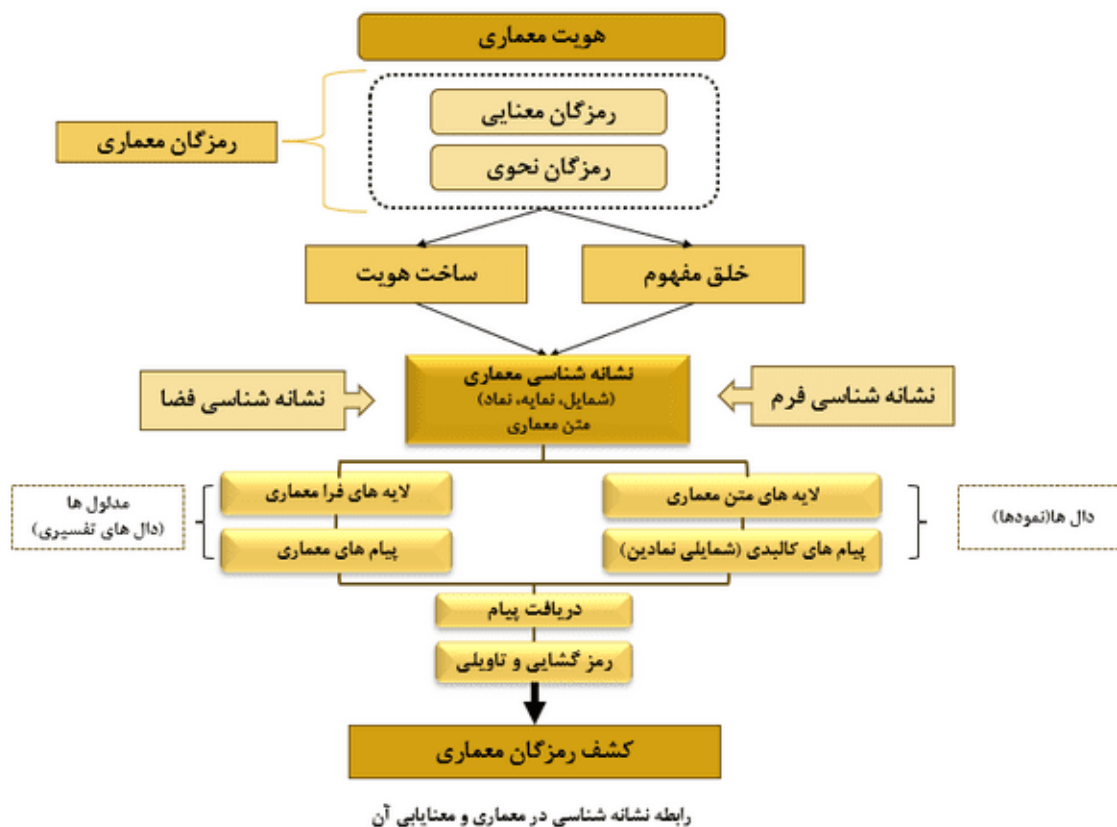


شکل ۱- بسترهای چهارگانه رمزگان در معماری، منبع: (نگارندگان با استفاده از دباغ ۱۳۹۴، ۲۰-۲۲)

مخاطب همواره در دریافت معنا اولویت دارد و وادار به بازتولید متن جدید می‌شود. می‌توان روشی برای تحلیل هویت در معماری دست‌یافت:



**معمار شهر**  
مستندسازی علمی معماری و شهرسازی



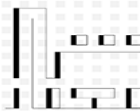
شکل ۲- روش نشانه شناسی در ادراک هویت معماری، منبع: (نگارندگان)

ساختار نظری ارائه شده، مبنای تحلیل های نمای معماری مسکونی در نمونه های مورد مطالعه برای دریافت معنا بوده است. در بخش بعدی روش به کارگیری این مبنا در پژوهش حاضر تبیین شده است.

### روش تحقیق

همان گونه که پیش تر اشاره شد، پژوهش از نوع کیفی و روش آن تحلیلی-توصیفی با تکیه بر نشانه شناسی به همراه پیمایش (پرسش نامه) است. زیرا مخاطب در نشانه شناسی پسا ساختارگرا نقشی کلیدی در درک معنا دارد.

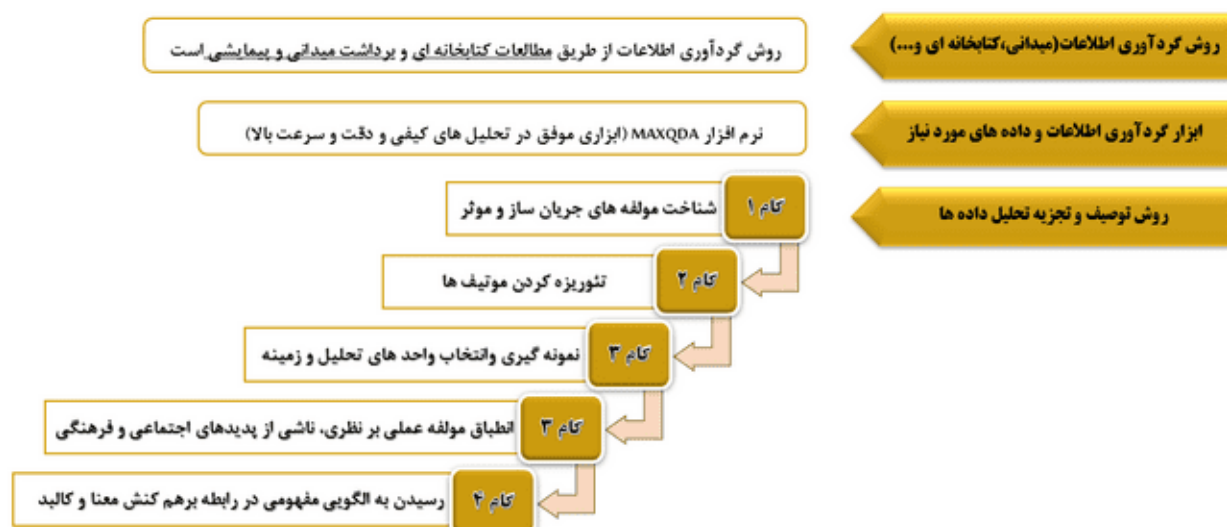




### شکل ۳- طبقه‌بندی جامع نوع پژوهش، منبع: (نگارندگان)

همچنین از راهبرد تاریخی برای کسب اطلاعات مورد نیاز تحلیلی استفاده شده است. تکنیک تحلیل محتوا در این پژوهش کمک می‌کند تا اطلاعات جمع‌آوری شده از طریق مشاهده و مطالعه موارد موردی، نتایج مورد انتظار در رابطه با تشخیص هویت نمای بناهای معماری مسکن پهلوی دوم در منطقه شش تهران را در اختیار بگذارد. بدین منظور با استفاده از نرم‌افزار Max QDA و کدگذاری ارزش‌های شناسایی شده در نمونه‌ها به تحلیل نهایی و برآورد اهداف اقدام شده است. نمونه‌های مورد تحلیل از دوره پهلوی دوم، با توجه به دلایلی که در مقدمه ذکر شد، از منطقه شش تهران بوده و به‌غیر از موارد مربوط به معماران سرشناس و یا مالکیت افراد سرشناس در دوره پهلوی، به‌صورت تصادفی انتخاب شده و بیش از ۷۰ نمونه را شامل می‌شود.

متغیر اصلی در این مطالعه، عناصر کالبدی نما با خاصیت نشانگی است که می‌تواند در تحلیلی از هویت نما در دوره موردنظر کاربرد داشته باشد. روش گردآوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات در شکل زیر بیان شده است:



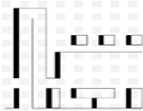
### شکل ۴- روش گردآوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات، منبع: (نگارندگان)

به‌صورت خلاصه برای درک هویت نما، لازم است ابتدا معنایی در این زمینه انجام شود. این معنایی در نگاه کلی در این مطالعه در مراحل زیر صورت پذیرفته است:

### جدول ۱- روش بررسی معنا در نمای بناهای پهلوی دوم، منبع: (نگارندگان)

روش بررسی معنا در نمای بناهای پهلوی دوم		
۱- ویژگی‌های نمای بنای گزینش شده از دوره پهلوی مورد بحث قرار می‌گیرد (درک زیبایی شناسانه در مرحله حسی)	۲- توجه به درون‌مایه‌های آفرینش نما مانند زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و تاریخی (درک منطقی) (نشانه‌شناسی ساختارگرا)	۳- تأویل نما از طریق توجه به درون‌مایه‌های بررسی شده در مرحله قبل به همراه تحلیل از درک زیبایی شناسانه آن توسط مؤلف

چهار گام اصلی در پیشبرد مراحل پژوهش مدنظر بوده است. پس از مرحله مطالعات نظری و پیشینه، نخستین گام عملیاتی، جمع‌آوری نمونه‌ها بوده است. در گام دوم، به‌عنوان نخستین مرحله تبیین، کدهای شاخص کالبدی و محتوایی استخراج شده‌اند.



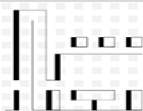
شکل ۵- استخراج کدهای شاخص کالبدی و محتوایی در گام دوم پژوهش، منبع: (نگارندگان)

در این خانه ها مواردی چون ورودی (سر در)، ایوان (تراس)، در، پنجره، بازشوها، ورودی، پلان، پنجره، طبقات، تزئینات نما و نرده و همچنین تأثیر مصالح ساختمانی مورد توجه بوده است. نمونه ای از جداول مربوط به تحلیل نمونه های مورد مطالعه در گام دوم، در جداول زیر ارائه شده است:

جدول ۲- نمونه ای از تحلیل نمونه های مورد مطالعه در گام دوم، منبع: (نگارندگان)

<b>خانه اندیشمندان</b>			
نشانی خانه: خیابان کریم خان، خیابان استاد نجات اللهی، نبش ورشو			
نام مالک: خانه اندیشمندان			
ثبت میراث فرهنگی نشده:		ثبت میراث فرهنگی شده: ثبت شده	
تعداد طبقات: ۳	زیرزمین: ۱	پیلوت: +	سایر طبقات: نیم طبقه فوقانی
مؤلفه های کالبدی و اجتماعی - فرهنگی	معمار	نماد	اعتبار
	کارکرد	بروتال - مدرن	پل آبکار
	کالبد	نماد ابنیه طبقه فرهیخته جامعه	
دارای نشانه های کالبدی معاصر خود (ورودی شاخص و پنجره گوشه - بالکن بیرون زده)		استفاده از رنگ و بافت ویژه - تأکید بر خطوط افقی و المان های عمودی در نما	



در گام سوم کدها در نرم افزار کیفی مورد نظر تعریف شده اند:



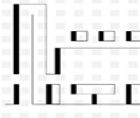
شکل ۶- تعریف کدهای مطالعاتی در نرم افزار کیفی MAX QDA، منبع: (نگارندگان)

- کدهای استخراج شده جهت تحلیل محتوای خانه های برداشت شده در دودسته بندی قابل بررسی است: کالبدی و غیر کالبدی (محتوا و معنا)
- تحلیل محتوای تصاویر (تصویر هر یک از بناها شامل: نما، حجم، مصالح، کارایی، طراح، سبک و اجزای کالبدی) بر اساس کدها و شاخصه های استخراج شده از ادبیات شامل:

جدول ۳- کدهای استخراج شده جهت تحلیل محتوای خانه های برداشت شده، منبع: (نگارندگان)

کدها و شاخصه های معنایی و محتوایی (درون مایه معنا و تاریخ)	شاخصه های کالبدی
<ol style="list-style-type: none"> <li>۱. ریشه های فکری معمار</li> <li>۲. متأثر از دانشگاه تحصیل معمار</li> <li>۳. متأثر از جامعه فرهنگ سیاست اقتصاد</li> <li>۴. سبک، الگو</li> <li>۵. مفاهیم زیبایی شناسانه</li> <li>۶. شعار مدرنیسم □□</li> </ol>	<ol style="list-style-type: none"> <li>۱. (تاریخی)</li> <li>۲. (زیبایی شناسانه)</li> <li>۳. (زیست محیطی)</li> <li>۴. کالبدی در نما، تزیینات، رنگ و ...</li> </ol>
کدهای بازنمایی شاخصه های فوق	کدهای بازنمایی شاخصه های فوق
<ul style="list-style-type: none"> <li>• شناسایی معمار سازنده و طراح ( فرهنگی- اجتماعی)</li> <li>• کاربران شاخص ( فرهنگی، اجتماعی، سیاسی)</li> <li>• ندرت طراحی بنا (تخصیص)</li> <li>• تکرارپذیری و خاطره انگیزی طرح بنا (تخصیص)</li> <li>• نمایندگی بنا در سبک یا پيامی نو در طرح ( الگو و تخصیص)</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• ملاحظات فرمی</li> <li>• عملکردی</li> <li>• ساخت و تکنولوژی</li> <li>• قدمت بنا (تاریخی)</li> <li>• هویت بنا: تمایز، وحدت یا تحول کالبدی و کارکردی بنا در عصر معاصر خود (تاریخی)</li> </ul>





<ul style="list-style-type: none"> <li>• خلاقیت در طراحی (مفاهیم زیبایی شناسانه)</li> <li>• شعار مدرنیسم (فرهنگی- اجتماعی)</li> <li>• سبک و الگو (فرهنگی- اجتماعی)</li> <li>• ریشه‌های فکری معمار شاخص (تخصیص)</li> <li>• اثرات دانشگاه و بستر تحصیلی معمار شاخص</li> <li>• اثرات اقتصاد، سیاست و فرهنگ بر معمار شاخص</li> <li>• تبعیت از اثر و سبک معمار شاخص</li> <li>• متأثر از جو سیاسی و اجتماعی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• مفاهیم مورد استفاده در طرح و حجم- کانسپت ها (تاریخی)</li> <li>• هماهنگی با محیط (زیبایی شناسانه)</li> <li>• کارایی فضایی بنا (زیبایی شناسانه)</li> <li>• جذابیت طرح (زیبایی شناسانه)</li> <li>• استفاده از گونه‌های گیاهی (زیست محیطی)</li> <li>• طراحی فضاهای باز و نیمه باز (زیست محیطی)</li> <li>• تبلور ملاحظات اقلیمی (زیست محیطی)</li> <li>• جنس مصالح استفاده شده (کالبدی)</li> <li>• رنگ و بافت مصالح (کالبدی)</li> <li>• تعداد طبقات (کالبدی)</li> <li>• استفاده از قوس‌های غیر سازه‌ای (کالبدی)</li> <li>• تغییرات و ویژگی‌های سازه‌ای (کالبدی)</li> <li>• بررسی‌های سبک طراحی پنجره‌ها (کالبدی)</li> <li>• بررسی‌های سبک طراحی بالکن‌ها (کالبدی)</li> <li>• بررسی‌های سبک طراحی ورودی‌ها (کالبدی)</li> <li>• بررسی‌های سبک طراحی حجم بنا (کالبدی)</li> </ul>
--	--

برخی خروجی‌های تحلیلی نرم‌افزاری نماهای مورد مطالعه به صورت زیر نمایش داده شده است:



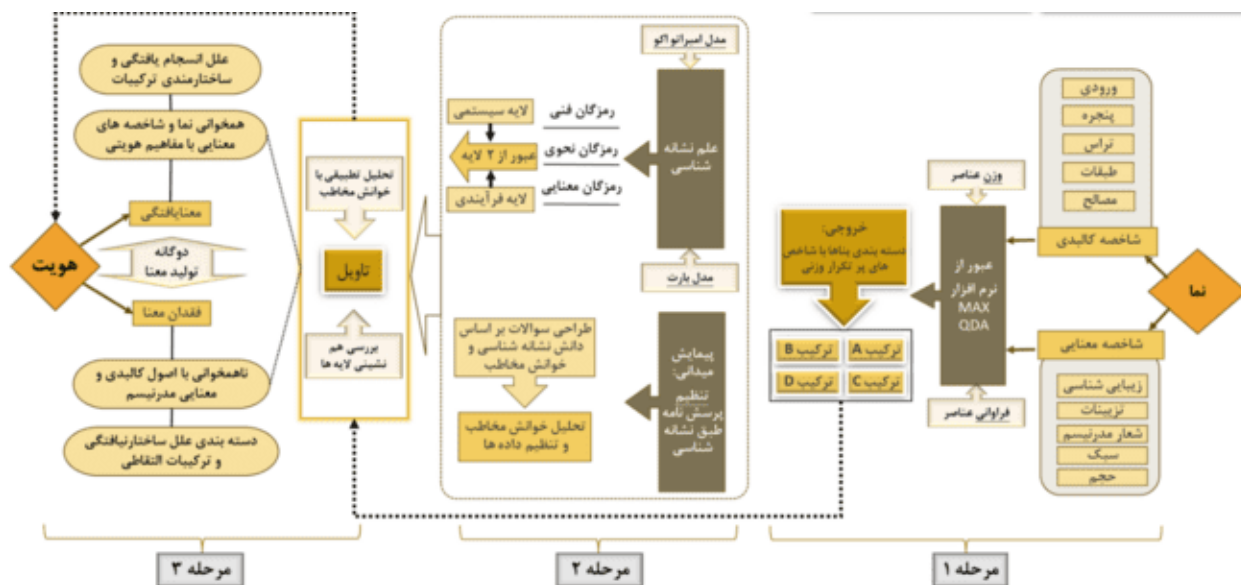
### شکل ۷- نحوه نمایش کندها در تصاویر برداشته شده (منبع: نگارندگان با استفاده از نرم‌افزار)

در دومین مرحله از تبیین با الهام از رویکرد اکو و بارت، سه دسته رمزگان با عبور از دو بستر نظام‌مند و فرآیندی استخراج شد. این یافته‌ها در کنار نتایج تحقیق پیمایشی، به تأویل نهایی در دو بخش معنا یافتگی و فقدان معنا جهت استنباط نهایی مفهوم هویت در نماهای بررسی شده، منجر شده است.



معمار شهر

مجله علمی معماری و شهرسازی



شکل ۸- چگونگی دستیابی به تأویل نهایی در پژوهش، منبع: (نگارندگان)

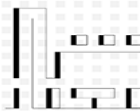
همان گونه که در نمودار بالا مشاهده می‌شود و با توجه به اهمیت مخاطبان در معنادگی به متن در نشانه‌شناسی پساساختارگرا، با طرح پرسش‌نامه‌ای، تلاش شده است تا مؤلفه‌های نشانه‌شناسی مورد نظر در نماهای مورد مطالعه، با مصاحبه ساختاریافته از ۳۰ نفر در محل ساختمان‌های مورد مطالعه ارزیابی شود. نمونه پرسش‌نامه به شرح زیر است:

جدول ۴- پرسش‌نامه ارزیابی دریافت مخاطبان از نماهای مورد مطالعه، منبع: (نگارندگان)

ردیف	مؤلفه نشانه‌شناسی	سوالات	بله	خیر	شرح پاسخ مصاحبه‌شوندگان
1	زیبایی‌شناسی/فرهنگی/فرهنگی و اجتماعی	آیا این بنا برای شما ملموس تلقی می‌شود؟ (در صورت تمایل، فکتورهای آن را ذکر نمایید)			
2	فرهنگی/اقتصادی/فرهنگی و اجتماعی	آیا ارتباطی میان نمای این بنا و آنچه از معماری ایرانی در ذهن دارید احساس می‌کنید؟			
3	کارکردی/اقتصادی	آیا کاربری این نما با فرم طراحی شده برای آن در نگاه شما هماهنگ به نظر می‌آید؟			
4	فرهنگی/اقتصادی/فرهنگی و اجتماعی/زیبایی‌شناسی	کدام یک از مؤلفه‌های شکل دهنده در این بنا (مصالح، فرم و هندسه، تزئینات و...) از نظر شما برای حضور در بافتار بومی کشورتان (بافتار فرهنگی، بافتار معماری) مناسب است؟			
5	فرهنگی/اقتصادی/فرهنگی و اجتماعی/زیبایی‌شناسی	فرم و کلیه این بنا از نظر شما دارای چه شکلهایی است؟ با هويت نان و چه شکلهایی در نقشه و نامشابه یا آن (هویت نان) است؟			

قابل ذکر است که روایی پرسشنامه با استفاده از نظرات کارشناسان و بررسی تطابق محتوای سوالات با اهداف تحقیق سنجیده می‌شود. تحلیل محتوای پرسشنامه و کدگذاری داده‌ها در نرم‌افزار Max QDA به اعتباربخشی و تحلیل دقیق‌تر نتایج پرسشنامه کمک کرده است. تأثیر مشارکت مخاطب در دریافت معنا و تفسیر نتایج نیز به تقویت معناداری و قابلیت اعتماد داده‌ها کمک می‌کند. بدین ترتیب طی سه مرحله بسیار جامع تلاش می‌شود تا پژوهش به تعریفی از هویت در نمای مسکونی خانه‌های پهلوی دوم در منطقه شش تهران دست یابد.

در گام چهارم، از نتایج حاصل از تحلیل نرم‌افزاری، دسته‌بندی‌هایی در نمونه‌های مورد مطالعه استنباط گردید. ویژگی‌های هر یک از این دسته‌بندی‌ها شامل ترکیب‌های ۱ و ۲ و ۳ و ۴ در بخش یافته‌های پژوهش ارائه شده است.



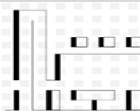
### یافته‌های پژوهش

همان‌گونه که در مقدمه مقاله نیز اشاره شد، جریانات معماری متداول پهلوی اول، در دوره پهلوی دوم یعنی بین سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷، به یک جریان غالب و تأثیرگذار معماری مدرن تبدیل می‌شود<sup>۹</sup> و عمدتاً از مجرای کارهای معماران و اندیشه‌های جریان ساز اروپا از جمله سبک بین‌المللی و مدرسه باهاوس حمایت می‌شد. ماحصل آن معماری «شبه مدرنیستی» در ایران است. تعداد زیادی ساختمان‌های دولتی و تجاری و واحد مسکونی بدون توجه به شخصیت محلی یا شرایط اقلیمی در ایران ساخته شد (حیبی ۱۳۸۵، ۷۶). سبک‌های معماری پهلوی دوم شامل آرت دکو، بین‌المللی، تندیس گرایی، پروتالیسم و مینیمالیسم هستند (قبادیان ۱۳۹۲، ۲۵۸ و سروشیانی، دانیل و شافعی، ۴۳۱۳۸۷). در مجموع وجوه کالبدی معماری مسکن در دوان مورد مطالعه به‌صورت زیر است:

جدول ۵- مشخصات وجوه کالبدی معماری مسکن پهلوی دوم، منبع: نگارندگان با استفاده از (حیبی ۱۳۸۵، ۴۳ و باور ۱۳۸۸، ۵۳ و قبادیان ۱۳۹۲، ۲۹)

مشخصات	دوره	وجوه کالبدی
عدم تقارن، طراحی آزاد، کشیدگی افقی، سطوح صاف و ایجاد قاب، عدم توجه به نما در مسکن انبوه و ارزان	دهه ۳۰	نما
عدم تقارن و نظم هندسی، تأکید بر ایجاد نمای واحد و متمایز با نمای جانبی، نمایانی تیرهای فولادی و بتن در نما، قاب‌های بتی یا فلزی با حرکات مدور،	دهه ۴۰	
نماهایی با سطوح صیقلی از سنگ، استفاده وسیع از مصالح با رنگ‌های مختلف (اغلب سفید)، اوج ابتذال نما در مسکن بسازوبفروش، پوشش نماهای خارجی (جنوبی) با سرامیک و کاشی ریز، عدم توجه به اقلیم و زاویه تابش	دهه ۵۰	
کمپوزیسیون با ترکیب احجام مکعبی و استوانه‌ای	دهه ۳۰	حجم
قفسه پله دارای نقش محوری و تراس‌ها به‌صورت متقارن در اطراف آن	دهه ۴۰	
حداقل جلوآمدگی و تورفتگی بیشتر از طریق تراس و پلکان به شکل کنسول، میل به مکعب شدن کامل بنا،	دهه ۵۰	
پنجره بزرگ برای پذیرایی و پنجره‌های کوچک و کوچک‌تر برای اتاق خواب و سرویس‌های بهداشتی، پنجره‌ها به‌صورت افقی	دهه ۳۰	پنجره
پنجره‌های دایره‌ای در نماهای ویلایی، استفاده از شیوه‌های ساده آهنگری و کاربرد لوله آب	دهه ۴۰	
سطوح زیر پنجره برجسته‌تر و پوشیده از سنگ تیشه‌ای	دهه ۵۰	تراس
ایجاد خطوط افقی به‌وسیله تراس، اغلب رو به حیاط، تراس‌های بزرگ سراسری و وسیع، وفور ایوان جنوبی به دلایل اقلیمی	دهه ۳۰	
تراس‌ها به‌صورت متقارن در دو طرف قفسه پله، تراس‌های کنسول شده بدون ستون، اغلب رو به خیابان، وفور ایوان جنوبی به دلایل اقلیمی	دهه ۴۰	
تراس‌های کوچک برای واحدهای آپارتمانی و جایگزین حیاط، اغلب رو به خیابان	دهه ۵۰	
سقف تخت با استفاده از تیرهای چوبی	دهه ۳۰	

دوران پهلوی به لحاظ فراز و فرودهای تاریخی به چهار دوره قابل تقسیم است: (۱- ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲- سال‌های آغازین این دولت با فراز و نشیب‌های بسیار یک دولت پارلمانی<sup>۹</sup> از نوع جهان‌سومی بود)، (۲- ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۱- دوره تثبیت دولت بود و در این دوره نقش ایران در مقیاس جهانی نمود پیدا کرد)، (۳- دوره سوم یا اوج بازگشت مجدد به مفاهیم مدرنیته، مدرنیسم و مدرنیزاسیون بود)، (۴- دوره چهارم یا دوره افول که با شکل‌گیری مدرنیزاسیون از پایین یا عامه مردم همراه است و به انقلاب بهمن ۵۷ می‌انجامد). (مختاری طالقانی، ۱۳۹۰)



سقف	دهه ۴۰+	سقف شیروانی با دیوار باربر در طبقه اول
	دهه ۵۰+	سقف مسطح و وسیع با تیرهای آهنی
ورودی	دهه ۳۰+	تورفتگی ۴۵ درجه جهت ورود بهتر نور، اغلب با سنگ ازاره سیاه
	دهه ۴۰+	تورفتگی ۴۵ درجه جهت ورود بهتر نور، ورود فضای نیمه‌باز و طاق حصیری
	دهه ۵۰+	شکستگی و سنگ سردر ورودی، وفور ورودی‌ها و فرورفتگی از لب نما
طبقات	اغلب یک طبقه و به تدریج تا انتهای پهلوی دوم رواج دو و سه طبقه و تعداد بیشتر طبقات در مجتمع‌های مسکونی	
بازشوها	اغلب در شمال و جنوب بنا	
پله	اغلب پله جنوب و جنوب شرقی به دلایل اقلیمی، افزایش عرض پله‌ها با توجه به تکنولوژی ساخت	
پلان	پلان و نحوه تقسیم فضایی آزاد، کشیدگی پلان شرقی-غربی و شمالی-جنوبی (مستطیلی) جهت استفاده از نور شمال و جنوب	
برونگرایی	غلبه برونگرایی با وجود هر سه فضای باز، نیمه‌باز و بسته	

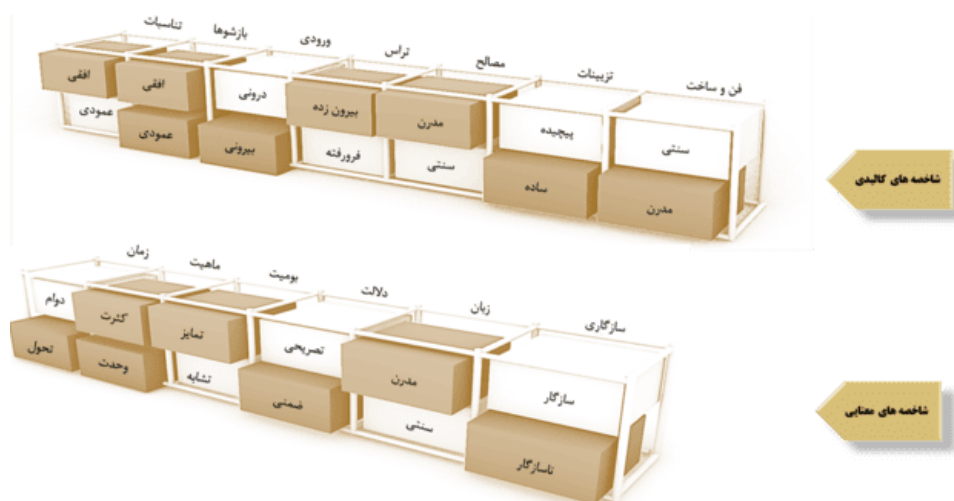
روند تحول معماری مسکونی پهلوی دوم در جهت افزایش آپارتمان‌سازی به‌جای ساخت خانه‌های ویلایی به دلیل افزایش جمعیت تهران و گرانی زمین بود و برای ارزان‌تر ساختن مسکن تا حد امکان از بازی‌های حجمی زیبای معماری اوایل دوره پهلوی دوم کاست و سبب سادگی نرده‌ها و پنجره‌هایی شد که در اوایل با سبک آرت دکو تزئین می‌شدند. نماهای مسطح و یکنواخت به‌جای نماهایی با فرورفتگی و برجستگی و حتی تنوع مصالح به تدریج رایج گشت. حتی ابعاد پنجره‌ها جهت سرعت بخشیدن به ساخت واحدهای آپارتمانی ابعادی وسیع و اغلب از کف تا سقف داشت (شافعی، سروشینی، دانیل ۱۳۹۷). البته نمونه‌های شاخصی از معماران مطرح در تمامی دوران پهلوی دوم وجود دارد که در بسیاری از خانه‌هایی با معماران کمتر شناخته‌شده نیز مورد تقلید قرار می‌گرفتند. این امر علاوه بر خانه‌های ویلایی در مسکن آپارتمانی نیز نمونه‌های شاخصی را در برمی‌گیرد. از تحلیل نمونه‌های مورد مطالعه پژوهش در منطقه ۶ تهران، همان‌گونه که در روش پژوهش نیز مورد اشاره قرار گرفت، بر اساس تحلیل کیفی نرم‌افزاری، ۴ ترکیب کلی به دست آمد. تفکیک شاخص‌های کالبدی و معنایی هر ترکیب و تحلیل نشانه‌شناسانه بسترهای معنایی هر یک به‌صورت زیر آمده است:





معمار شهر

مجله علمی معماری و شهرسازی



شکل ۹- ترکیب ۱، شاخص‌های کالبدی و معنایی و ویژگی بسترهای نظام‌مند در ترکیب، منبع: (نگارندگان)

این ترکیب دارای مفاهیم پیچیده‌تری نسبت به سایر ترکیبات در خوانش مخاطبین و نگاه تخصصی قرار دارد. عناصر نما با نمایش دیرهنگام مفهوم خود در نگاه اول آن را به سمت تأویل پیچیده سوق می‌دهد.

همان‌گونه که در بالا مشاهده می‌شود و با توجه به ویژگی‌های نشانه‌شناسی پسا‌ساختارگرا، تقسیم‌بندی دوتایی شاخص‌های کالبدی و معنایی می‌تواند دو جنبه از واقعیت را در مورد نما مورد تحلیل قرار دهند. این رویکرد به بررسی چگونگی وجود معانی مختلف در یک متن یا نشانه می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه هم‌زمان می‌توان به کثرت معانی و وحدت ساختاری دست‌یافت (نزبیت، ۱۳۹۶؛ فروغمند اعرابی، ۱۳۹۴). در ادامه مابقی ترکیب‌های استنتاج شده حاصل از تحلیل نرم‌افزاری پرسش‌نامه‌ها آمده است:





معمار شهر

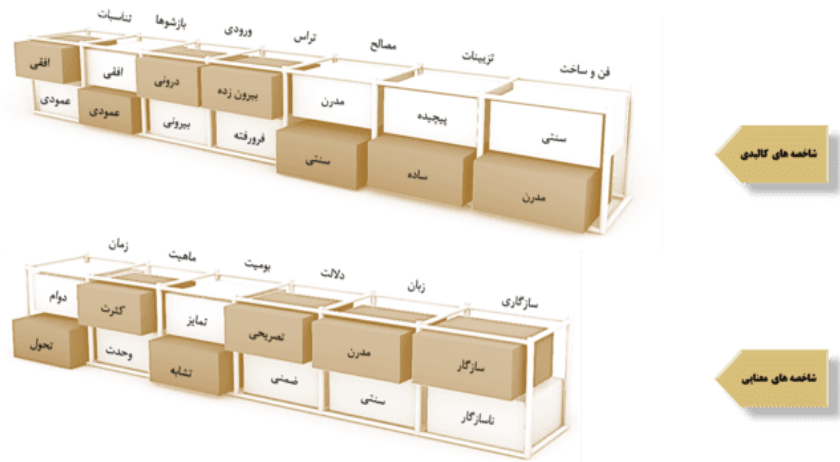
مجله علمی معماری و شهرسازی



شکل ۱-۲ ترکیب ۲، شاخص‌های کالبدی و معنایی و ویژگی بسترهای نظام‌مند در ترکیب، منبع: (نگارندگان)

در این ترکیب نسبت به دسته اول تأویل ساده‌تر و نسبت به دودسته دیگر پیچیده‌تر است. عناصر نما نسبت به دسته اول دارای مفاهیم گویاتر و نسبت به دودسته دیگر پیچیده‌تر است.





شکل ۱۱- ترکیب ۳، شاخص‌های کالبدی و معنایی و ویژگی بسترهای نظام‌مند در ترکیب، منبع: (نگارندگان)

این ترکیب نسبت به دودسته اول تأویل ساده‌تر و نسبت به دسته بعدی پیچیدگی بیشتری دارد. عناصر با گویایی ظاهری خود خبر مفهوم درونی را برای مخاطب سهل می‌نماید.

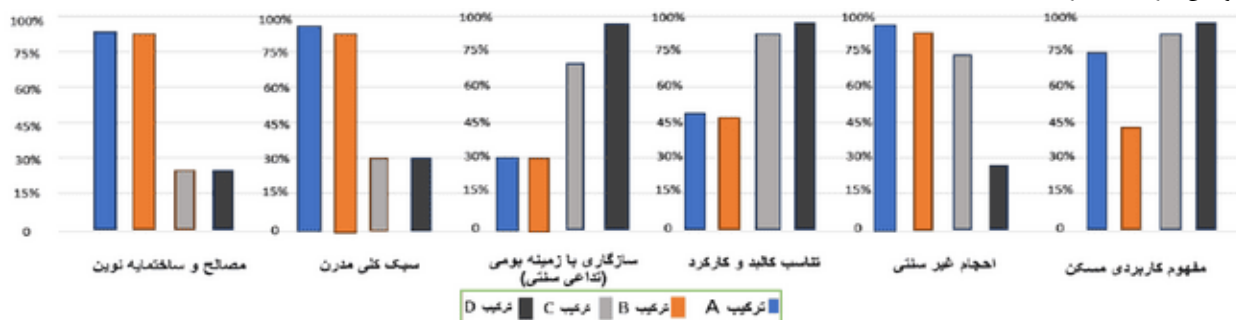




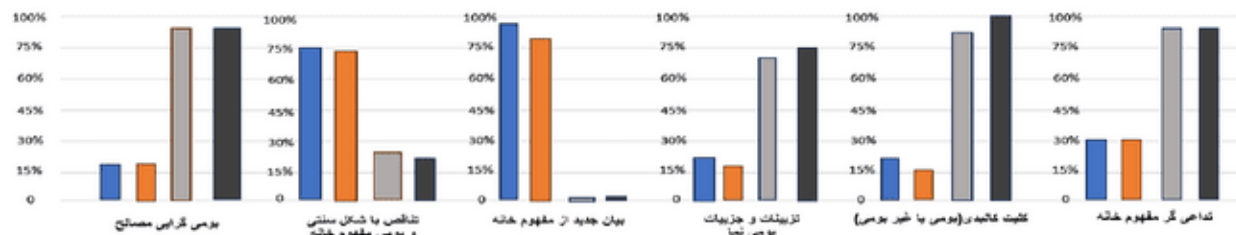
شکل ۱۲- ترکیب ۴، شاخص های کالبدی و معنایی و ویژگی بسترهای نظام مند در ترکیب، منبع: (نگارندگان)

ترکیب آخر در آشکارسازی مفاهیم در نگاه اولیه، نسبت به سایر دسته ها تأویل ساده تری را منجر می شود. عناصر در ظاهر و باطن به هم نزدیک بوده و تأویل صورت گرفته فاصله اندکی با درک اولیه از متن نما را خواهد داشت.

نتایج حاصل از این تحلیل کیفی نرم افزاری در ترکیب با نتایج پرسش نامه به صورت زیر، نشان دهنده میزان گرایش ذهنی مخاطبان به تأویل و خوانش هر یک از ترکیب ها در زمینه های مختلف دارد:



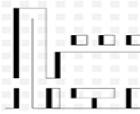
مولفه های ادراک شده در سطوح عمیق تر در ذهن مخاطبین



شکل ۱۳- ترکیب تحلیل کیفی نرم افزاری با نتایج پرسش نامه، منبع: (نگارندگان)

بر این اساس از میان چهار بستر نشانه شناسی هرمنوتیک، زیبایی شناسی، فرهنگی و کارکردی می توان تحلیل های زیر را از مخاطبین به دست آورد:





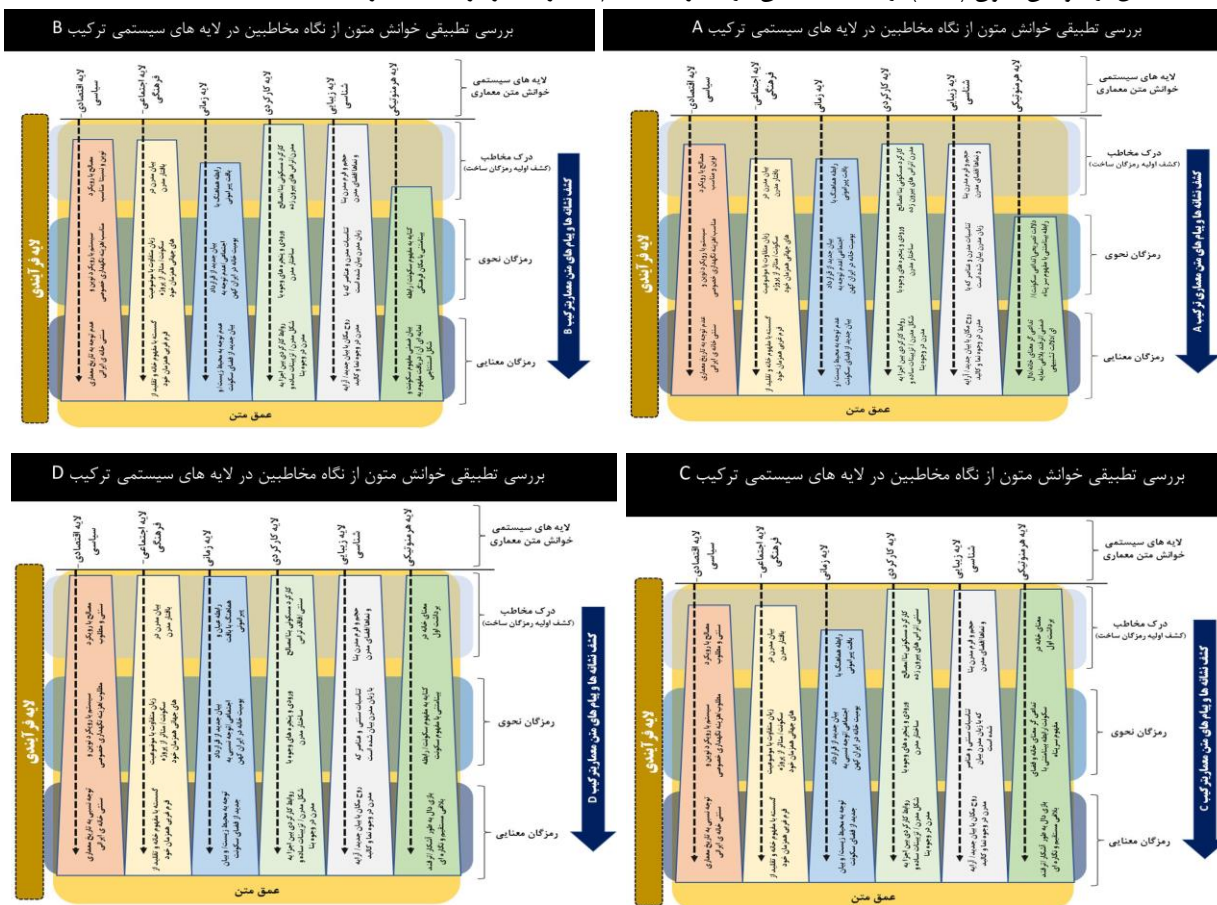
**معمار شهر**

مجله علمی معماری و شهرسازی

در ترکیب ۱ و ۲ از نظر مخاطبان تمامی ویژگی‌های بستر زیبایی شناسانه دارای خوانش تطبیقی و وضعیت هم‌نشینی بودند. بقیه بسترها از نظر مخاطبین در این ترکیب قابل درک نبودند. تنها با این تفاوت که در ترکیب ۲ خوانش تطبیقی بین بستر کارکردی و زیبایی شناسانه برقرار نبود. در ترکیب ۳ در محدوده رمزگان نحوی، بستر زیبایی شناسانه و کارکردی با بستر فرهنگی و بستر هرمنوتیک با بستر فرهنگی دارای خوانش تطبیقی هستند. اما محور هم‌نشینی در هیچ کدام از بسترها مشاهده نشد. در ترکیب ۴ بستر کارکردی و فرهنگی دارای خوانش تطبیقی هستند. بقیه بسترها نه خوانش تطبیقی و نه هم‌نشینی را دارا نبودند.

**بحث و نتیجه گیری**

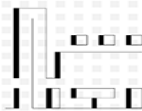
نتیجه حاصل از خوانش متون (نماها) از نگاه مخاطبین در بسترهای نظام‌مند برای هر ترکیب تفسیر شده است:



شکل ۱۴- تطبیق تفسیر خوانش متون (نماها) از نگاه تخصصی نشانه‌شناسی و مخاطبین در بسترهای نظام‌مند برای هر ترکیب، منبع: (نگارندگان)

براساس این تفسیر:

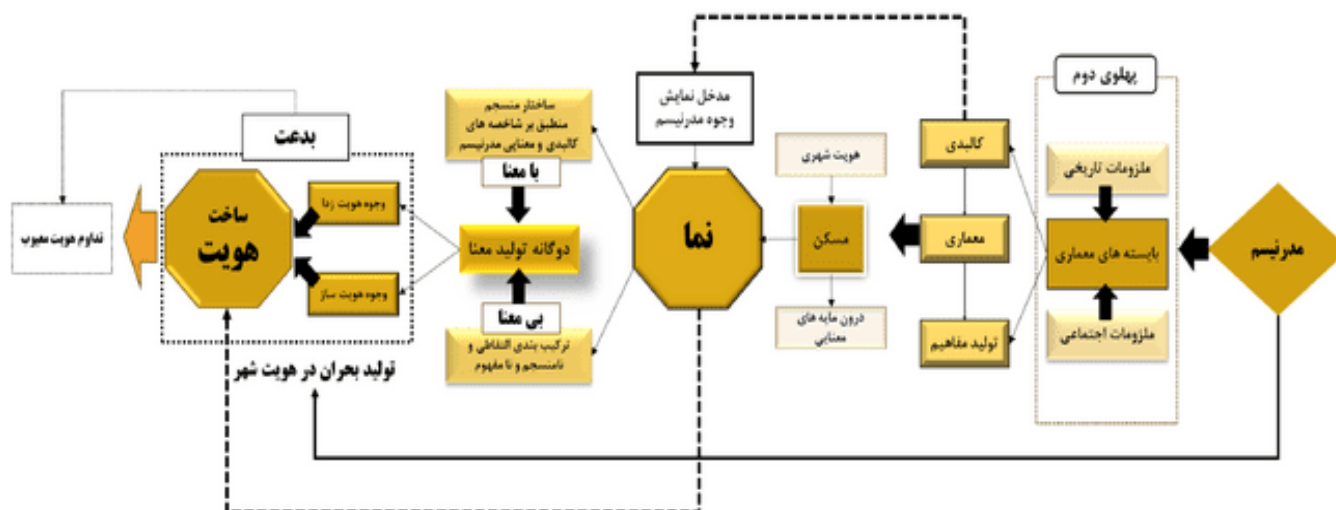
- در ترکیب ۱ بستر زیبایی شناسانه از بقیه بسترها بیشتر است و بستر کارکردی و اقتصادی سیاسی، به مقدار بسیار نزدیک با بستر زیبایی شناسانه قرار دارد. در این ترکیب بستر هرمنوتیک کمترین میزان را دارد.
- در ترکیب ۲ بستر هرمنوتیک کمترین و بستر کارکردی و زیبایی شناسانه بیشترین میزان را به خود اختصاص داده‌اند.



- ترکیب ۳ بستر زمانی کمترین بستر و بسترهای کارکردی، زیبایی شناسانه و هرمنوتیک بیشترین میزان را دارند.
- در ترکیب ۴ همه بسترها تقریباً مساوی و در سطح بالا هستند.

در مقایسه ترکیبها با یکدیگر، بستر زیبایی شناسانه در سه ترکیب تقریباً مساوی و در ترکیب ۱ اندکی کمتر از ترکیبهای دیگر است. به عبارت دیگر خوانش مخاطبان از زیبایی در ترکیب ۱ کمترین بوده است. مخاطبان خوانش یکسانی از بستر زمانی در ترکیبهای ۱ و ۲ داشته‌اند و این بستر در ترکیب ۳ کمترین میزان را به خود اختصاص داده است. با توجه به ارتفاع بسترها در ترکیب ۴، باید این ترکیب را معیار گرفت و بقیه ترکیبها را نسبت به آن سنجید. بدین ترتیب ترکیب ۱ ترکیبی با ضعف هرمنوتیکی، ترکیب ۲ ترکیبی با ضعف هرمنوتیکی-زمانی و ترکیب ۳ ترکیبی با ضعف بستر زمانی در نظر گرفته می‌شود.

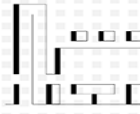
از نتایج حاصل از کشف نشانه‌ها و پیامهای متن معماری ترکیبهای مورد مطالعه، به یافته برهم کنش درون مایه و کالبد، سازنده هویت نماهای مورد مطالعه، به روش زیر دسترسی حاصل شد:



شکل ۱۵- چگونگی برهم کنش درون مایه و کالبد، سازنده هویت نماهای مورد مطالعه، منبع: (نگارندگان)

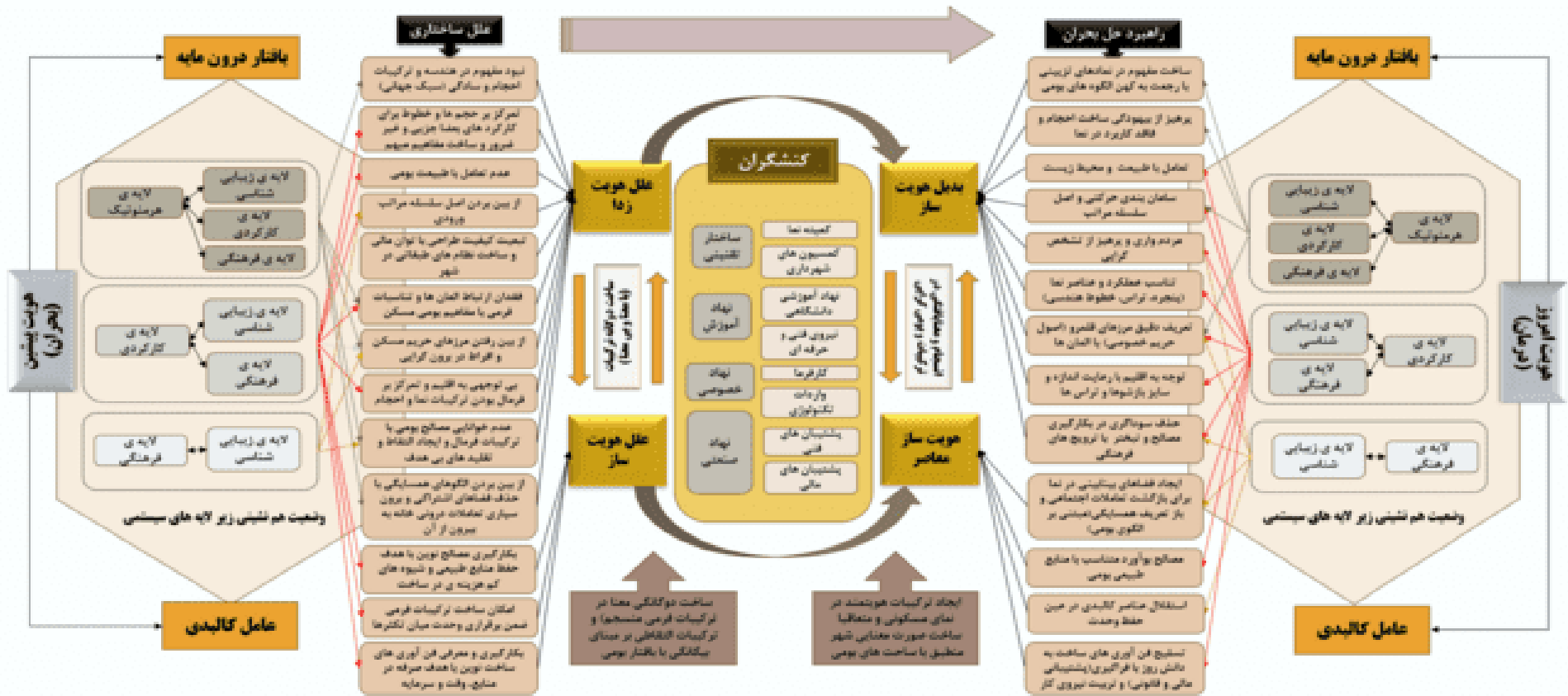
البته باید به این امر توجه نمود که تفکیک نما از کلیت مسکن نیازمند در نظر گرفتن جنبه‌های مختلفی است. نما به عنوان عنصر بیرونی می‌تواند در زمینه‌های زیبایی‌شناسی و هویتی به طور مستقل مورد بررسی قرار گیرد. باین حال، این تفکیک باید با توجه به تأثیرات معماری داخلی، عملکرد فضا و ارتباطات اجتماعی صورت گیرد. اما با توجه به آنکه در معماری معاصر ایران، توجه به هویت و معنای نماسازی اهمیت یافته و نمای ساختمانها نه تنها به لحاظ بصری، بلکه از نظر هویتی و اجتماعی نیز اهمیت یافته است، لازم است تا روش‌هایی برای بررسی آن ارائه شده تا در ادامه بتوان تلفیقی از این تحلیلها با درک ساختار کلی و عملکرد داخلی مسکن ارائه داد. این رویکرد می‌تواند به شناسایی الگوهای هویتی و معنایی در نماسازی کمک کند و در نهایت به طراحی فضاهایی منجر شود که هم از نظر زیبایی‌شناختی و هم از نظر کارکردی با نیازهای ساکنان همخوانی داشته باشند.

بر این اساس هر دو جوه هویت‌ساز و نیز هویت زدا در مورد هر ترکیب استخراج شده و بر این اساس موارد مرتبط با هویت‌سازی بیشترین میزان را در ترکیب هم‌زمان سه بستر زیبایی‌شناسی، فرهنگی و کارکردی داشت (فلش‌های قرمز) و شامل به‌کارگیری مصالح نوین باهدف حفظ منابع طبیعی و شیوه‌های کم‌هزینه در ساخت، امکان ساخت ترکیبات فرمی ضمن برقراری وحدت میان کثرت‌ها و به‌کارگیری و معرفی فن‌آوری‌های

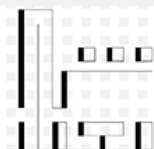


ساخت نوین باهدف صرفه در منابع وقت و سرمایه بودند. ابعاد منفی معنای تحلیل شده از این سه ترکیب شامل ساخت مفاهیم مبهم با تمرکز بر حجمها و خطوط غیرکارکردی، عدم تعامل با طبیعت بومی، فقدان ارتباط المانها و تناسب فرمی با مفاهیم بومی مسکن و تمرکز بر فرمال بودن ترکیب نما و احجام است. مصادیق ترکیب بسترهای فرهنگی و زیبایی شناسانه بیشتر ابعاد منفی را در بردارد. ترکیب متقابل بستر هرمنوتیک با بسترهای زیبایی شناسانه، کارکردی و فرهنگی نیز بر همین منوال است. بدین ترتیب بسترهای معنایی در برآیند هر چهار ترکیب، معنای مثبت خود را بیشتر از تعامل سه سویه کارکرد، زیبایی شناسی و فرهنگ کسب می کنند. نوین بودن مصالحی که به حفظ منابع طبیعی توجه داشته و برقراری وحدت میان کثرتها، به صورت خلاصه امکان دریافت بیشترین معنا را از مخاطبین داشته و در نتیجه نمایش عینی هویت و معنای نمای مسکونی پهلوی دوم در نمونه های مورد مطالعه بوده است. بافتار درون مایه و عوامل کالبدی در نمایی موفق و هویت مند باید با یکدیگر دارای ارتباط خوب و کاملی باشند. (شکل ۱۶ از چپ به راست) بدین منظور باید بسترهای هرمنوتیک، کارکردی و فرهنگی با یکدیگر دارای ارتباطی درست باشند. اگر این بسترها با یکدیگر هم نشینی و تطبیق درستی نداشته باشند، علل ساختاری چون نبود مفهوم در هندسه و ترکیبات، ساخت مفاهیم مبهم، عدم بوم گرایی، از بین رفتن سلسله مراتب ورودی و ... روی می دهد و بحران ساختاری را به وجود می آورد. در مورد دوره مورد مطالعه تطبیق بسترهای مورد اشاره در برخی موارد به علل ساختارهای هویت ساز و در برخی موارد به ساختارهای هویت زدا منجر شده است. از جمله علل هویت ساز می توان به به کارگیری مصالح نوین باهدف حفظ منابع طبیعی، شیوه های کم هزینه در ساخت، امکان ساخت ترکیبات فرمی، برقراری وحدت میان تکثرها و ... اشاره داشت. البته از شکل زیر برمی آید که عوامل هویت زدا در علل ساختاری بررسی شده بسیار بیشتر از عوامل هویت ساز بوده اند.

جهت از میان بردن تأثیرات منفی هویت زدایی در نمای مسکونی باید دخالت کنشگرانی در طبقات مختلفی چون نهادهای تقنینی، نهادهای آموزشی، نهادهای خصوصی و نهادهای صنعتی مورد اشاره قرارداد. بدین ترتیب علل ساختاری هویت زدا را می توان به راهبردهایی برای حل بحران نمای هویت مند تبدیل نمود. باید علل هویت ساز معاصر و علل هویت زدا به بدیل هویت ساز تبدیل شود. راهبردهای خروج از بحران از این طریق به دست می آید. از جمله عوامل مهم بدیل هویت ساز می توان به ساخت مفهوم در نمادهای تزئینی، پرهیز از بیهودگی، تناسب عملکرد و عناصر نما، تعریف مرز حریم خصوصی و توجه به اقلیم را مورد اشاره قرارداد. از عوامل مهم هویت ساز معاصر می توان مواردی چون ایجاد فضای بینابینی در نما، مصالح بوم آورد، استقلال عناصر کالبدی در عین حفظ وحدت و استفاده از فن آوری های روز را مورد اشاره قرارداد. در نهایت می توان انتظار داشت که بافتار درون مایه و کالبد از طریق بسترهای واسط هرمنوتیک، کارکردی و فرهنگی، به هم نشینی و در نتیجه درمانی برای معنا و هویت در نمای مسکونی معاصر منجر شود.



شکل ۱۶- روند حرکت از شرایط بحران (هویت پیشین) به شرایط درمان (هویت امروز) در نمای مسکونی، منبع: (نگارندگان)



### پی‌نوشت:

□□ زیبایی‌شناسی معماری، به‌ویژه در نماهای مسکونی، شامل یک تعامل پیچیده بین جذابیت بصری، انتخاب متریال، ارتباط متنی و اهمیت فرهنگی است. درک این عناصر به معماران اجازه می‌دهد تا فضاهایی را ایجاد کنند که نعتنها کاربردی هستند، بلکه از نظر احساسی با ساکنان و محیط اطراف خود نیز طنین‌انداز می‌شوند. همان‌طور که زیبایی‌شناسی با تغییرات اجتماعی به تکامل خود ادامه می‌دهد، پذیرش دیدگاهی پویا در مورد زیبایی در معماری اهمیت فزاینده‌ای پیدا می‌کند (Pallasmaa, 2012) (Jencks, 1997).

□□ مدل هویت در معماری مسکونی بر اهمیت الگوها به‌عنوان وسیله‌ای برای بیان هویت‌های فرهنگی و شخصی تأکید می‌کند. از طریق لنزهای پساساختارگرایی و نشانه‌شناسی، می‌توانیم درک کنیم که چگونه این الگوها فقط انتخاب‌های زیبایی‌شناختی نیستند، بلکه سیستم‌های معنایی پیچیده‌ای هستند که با زمینه و تعامل کاربر تکامل می‌یابند (Jencks, 1997).

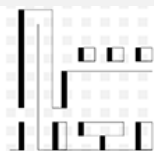
□□ سبک در معماری به‌عنوان یک ساختار سیال که توسط روایت‌های فرهنگی، تأثیرات متنی و تعاملات کاربر شکل می‌گیرد درک می‌شود. این رویکرد معماران را تشویق می‌کند تا مفاهیم گسترده‌تر طرح‌های خود را فراتر از زیبایی‌شناسی صرف در نظر بگیرند، و تشخیص دهند که سبک به‌عنوان وسیله‌ای برای ارتباط و معنا سازی در جامعه عمل می‌کند (Kostof, 1995).

□□ شعار مدرنیسم در معماری: "فرم از عملکرد پیروی می‌کند" این ویژگی تمام ابعاد معماری مدرن از جمله نما را در برمی‌گیرد. با اولویت دادن به کاربرد بر زیبایی، طرح‌های مدرنیستی نحوه درک و تعامل ما با محیط زندگی خود را تغییر داده است. این رویکرد همچنان بر شیوه‌های معماری معاصر تأثیر می‌گذارد، زیرا طراحان به دنبال متعادل کردن عملکرد و جذابیت زیبایی‌شناختی هستند (Frampton, 2007).

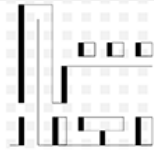
### فهرست منابع:

- بارت، رولان. ۱۳۷۰. عناصر نشانه‌شناسی. مترجم: مجید محمدی. تهران: الهدی
- بانی مسعود، امیر. ۱۳۸۸. معماری معاصر ایران. تهران: نشر هنر و معماری قرن
- باور، سیروس. ۱۳۸۸. نگاهی به پیدایی معماری نو در ایران. تهران: نشر فضا
- بشیری، حسین. ۱۳۷۹. نظریه‌های فرهنگ در قرن بیستم. تهران: موسسه فرهنگی آینده پویای تهران
- جانی پور، بهروز. ۱۳۷۹. سیر تحول معماری مسکن تهران در دوره پهلوی. رساله دکتری منتشر نشده معماری، راهنما: امیر منصوری، دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران
- چندلر، دانیل. ۱۳۸۷. مبانی نشانه‌شناسی. ترجمه مهدی پارسا. زیر نظر فرزانه سجودی. تهران: انتشارات سوره مهر

- حبیبی، سید محسن. ۱۳۸۵. شرح جریان‌های فکری معماری و شهرسازی در ایران معاصر. تهران: نشر دفتر پژوهش‌های فرهنگی
- حسن‌پور، ناصر. سلطانزاده، حسین. ۱۳۹۵. عوامل پس‌زمینه تحولات معماری معاصر ایران در دوران پهلوی دوم و مقایسه تطبیق آن با ترکیه. باغ نظر (۱۳): ۴۴-۳۹-۵۲
- دباغ، امیر مسعود. ۱۳۹۴. خوانش معماری از منظر نشانه‌شناسی، حکمت و معرفت، ۱۰ (۶): ۱۷-۲۲
- دیبا، داراب و دیگران. ۱۳۷۷. نگاهی به مهندسی ساختمان و معماری معاصر ایران. وزارت مسکن و شهرسازی، تهران: معاونت نظام‌مهندسی و اجرای ساختمان
- زرکش، افسانه. ۱۳۹۱. علل تأثیر معماری بناهای دولتی و عمومی بر معماری بناهای خصوصی در دوره پهلوی دوم. باغ نظر (۹): ۲۲-۳۴-۲۳
- سروشینی، سهراب. ویکتور، دانیل. شافعی، بیژن. ۱۳۸۷. معماری وارطان هوانسیان. ترجمه: ندا قیاسی. از مجموعه معماری دوران تحول در ایران. تهران: انتشارات دید
- سوسور، فردینان. ۱۳۸۲. دوره زبان‌شناسی عمومی. مترجم: کورش صفوی. تهران: هرمس
- شافعی، بیژن. سروشینی، سهراب. دانیل، ویکتور. منصوری، نگار. عباس‌زاده، هانیه. ۱۳۹۷. معماری پل آبکار. تهران: بیژن شافعی
- شاه‌حسینی، روشینا. شالی‌امینی، وحید. دباغ، امیر مسعود. ایرانی بهبهانی، هما. (۱۴۰۱). واکاوی نحوه تعامل دلالت‌های فرهنگی عناصر معماری در لایه‌های نشانه‌شناسی (مطالعه موردی: پردیس آستارا و پردیس ملت). فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی سال هفتم، شماره ۲ (پیاپی ۱۲): ۲۲۸-۲۰۹
- فروغمند اعرابی، هوشنگ. ۱۳۹۴. خاستگاه فلسفی روش‌شناسی در دانش نشانه‌شناسی معماری و طراحی شهری، مدیریت شهری، ۴۳، ۲۲۴-۲۰۰
- قبادیان، وحید. ۱۳۹۲. سبک‌شناسی و مبانی نظری در معماری معاصر ایران. تهران: علم معمار
- قبادیان، وحید. ۱۳۸۳. مبانی و مفاهیم در معماری معاصر غرب، انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران
- کیانی، مصطفی. ۱۳۸۲. معماری معاصر ایران و مکتب مدرن. نشریه معماری و فرهنگ، سال پنجم، شماره ۱۵ و ۱۶، پائیز و زمستان
- ماجدی، حمید. زرآبادی، سعید. (۱۳۸۹) جستاری در نشانه‌شناسی شهری، معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، بهار و تابستان ۱۳۸۹، دوره ۳، شماره ۴، ۴۹-۵۶.
- مختاری طالقانی، اسکندر. ۱۳۹۰. میراث معماری مدرن ایران. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی
- معرفت، مینا؛ سیدی، سیداحمد. وثوقی خزائی، فاطمه. ۱۳۷۵. پیشکسوتانی که به تهران مدرن شکل دادند. از مجموعه تهران پایتخت دویست‌ساله (مجموعه مقالات). زیر نظر شه‌ریار عدل؛ برنارد اورکاد؛ ت: ابوالحسن سروقد مقدم، سید احمد سیدی، فاطمه وثوقی خزائی. تهران: سازمان مشاور فنی
- نزیبت، کیت. ۱۳۹۶. تئوری معماری پست‌مدرن، ترجمه: پویان روحی، تهران: کتابکده کسری
- Derrida, Jacques. 1985. POINT DE FOLIE — MAINTENANT L'ARCHITECTURE. Bernard Tschumi: La Case Vide — La Villette



- 
- Eco, Umberto. 1986. Function and Sign: Semiotics of Architecture , Published by Columbia University Press
  - Foster, Hal .1983. In The Anti-Aesthetic: Essays on Postmodern Culture. Bay Press. pp. 3--15
  - Frampton, K. 2007. A Critical History of Modern Architecture. Thames & Hudson.
  - Greimas, Algirdas Julien & Courtes, Joseph .1979. Sémiotique: Dictionnaire raisonné de la théorie du langage. (Langue, Linguistique, Communication) Paris: Classiques Hachette.
  - Jencks, C. 1997. The Architecture of the Jumping Universe: A Polemic: How Complexity Science is Changing Architecture and Culture. Academy Editions.
  - Kostof, S. 1995. A History of Architecture: Settings and Rituals. Oxford University Press.
  - Pallasmaa, J. 2012. The Eyes of the Skin: Architecture and the Senses. Wiley.
  - Porphyrios, Demitri .1998. Classical Architecture Paperback – June 25, Publisher: Andreas Papadakis Publisher



## Post-structuralist semiotics of facade identity indicators in Pahlavi II residential architecture

### Abstract:

Investigating the identity and meaning of the facades of residential buildings in Tehran, especially during the second Pahlavi period, with the aim of clarifying the challenges in the facades and identity of Iranian architecture since the beginning of the modernization of residential buildings in Iran, is the main issue of this research. The aim is to identify and analyze the identity signs in the facades of buildings that can help to better understand the developments in contemporary Iranian architecture. The lack of emergence of a process of identity evolution commensurate with the evolution of meaning for the Iranian urban audience reveals the necessity of conducting this research. In such a way that despite years of architectural changes, we still witness inconsistency in facades that requires a more detailed examination. The inconsistency between cultural identity and architectural signs in the facades of Iranian residential buildings is an issue that must be examined from its roots at the beginning of the entry of modernity into residential architecture in Iran. This is especially important in the contemporary world, where the identity and meaning of living spaces have become more important. Identification and analysis of identity signs in the research was carried out by presenting a post-structuralist semiotic model in material, physical, social and historical formats in semantic function. The innovation of the research, in addition to paying attention to the principles of developments leading to the identitylessness of residential facades in Iran, is the use of software analysis (Max QDA) in conducting qualitative research with an analytical-descriptive method relying on semiotics along with a survey and historical strategy, which was carried out for about 70 facade samples from Tehran's sixth district. Based on the results, four facade combinations were extracted in the samples, and meaningful and meaningless combinations were identified using post-structuralist semiotics and audience reading. Meaningful combinations had a structure resulting from the interaction and convergence of the three aspects of function, aesthetics and culture. Accordingly, two identity-creating and identity-destructive aspects were extracted in the combinations, which shows the innovation that modernism has created in creating the duality of meaning construction in urban facades in Iran. Using the provided patterns and models, it is possible to design facades that are in line with the needs of society both aesthetically and in terms of identity

Keywords: Semiotics, Post-structuralism, Identity Index, Residential Facade, Pahlavi II